جُنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ آبان۱۴۰۴، برابر ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵ | شماره ۳۴۸ | Iranian Workers Analects – No:348

یادداشت

از سرکوب جنبش ۹۸ تا گرانی دوبار بنزین در سالگرد آن جنبش

صادق کار

اعلام افزایش قیمت بنزین در سال ۹۸ باعث ظهور جنبش انقلابی ۹۸ شد. این جنبش که یک روز بعد از انتشار خبر سه برابر شدن قیمت بنزین از ٢٤ آبان شروع شد و دامنه آن بسرعت به ۱۵۰ شهر رسید و ۷۰۰ نقطعه کشور رسید، چون زلزه‌ای ارکان قدرت را چنان به لرزه درآورد که روحانی به دروغ گفت از آن بی خبر بوده و صبح جمعه وقتی از خواب بیدار شده از قضیه مطلع شده است. رقبای دست راستی تر دولت مزورانه کوشش کردند گرانی را تنها به گردن دولت بگذارند و خود را از زیر ضرب خارج کنند.

سه برابر کردن قیمت بنزین بی هیچ تردیدی تصمیم مشترک هر دو جناح بود و به رغم صدور فرمان سرکوب آن توسط علی خامنه‌ای، هردو جناح اصلی در سرکوب وحشیانه جنبش مردمی ٦ سال پیش که منجر به قتل ۱۵۰۰ نفر از مبارزان عدالتخواه با استفاده از سلاح های جنگی شد نقش غیر قابل انکاری داشتند.

حالا در ست در سالگرد سرکوب جنبش ۹۸ دوباره دولت هم سنخ روحانی که در پیشبرد سیاست های عدالت ستیزانه نئولیبراستی و شوک درمانی دولتهای رفسنجانی و روحانی افراطی تر و خشنتر عمل کرده تصمیم به افزایش قیمت بنزین گرفته است.

افزایش قیمت بنزین در حالی قطعی به نظر می رسد که دولت با وجود رکورد زنی ها پیاپی تورم و قیمت کالاها و خدمات مختلف بخصوص نجومی شدن قیمت مواد غذایی، دارو و مسکن، حاضر به افزایش دستمزد و حقوق مزدبگیران و بازنشستگان نیست و مرتبا یک طرفه با رویکردهای خود هزینه‌های زندگی را بالا برده و بر تعداد فقرا و بینوایان می افزاید. در همین هفته گذشته بود که قیمت نان این اساسیترین مواد غذایی مردم را گران کرد.

افزایش قیمت بنزین در شرایطی که تورم مرز ٦٠ درصد را پشت سر گذاشته نه تنها برای مزد و حقوق بگیران و بینوایان بی شمار این کشور بلکه برای میلیونها نفر که هزینه زندگی هایشان را با مسافر کشی تامین می کنند، حکم مصیبت را دارد.

افزایش قیمت بنزین و سوخت این بار نیز به رغم مخالفت ظاهری برخی از عناصر دست راستی تر حکومت با آن قطعا تصمم مشترک هر دوجناح راستگرای حکومت است. هم چنانکه پیشبرد سایر اقدامات اقتصادی عدالت ستیزانه توسط هر دو جناح اخذ و به اجرا درآمده‌اند.

جناح مدعی عدالت خواهی در عمل نشان داده نه تنها در عدالت ستیزی دست کمی از رقبای حکومتی خود ندارد بلکه بواسطه کنترل ارگانهای سرکوب، قضایی، قانون گزاری و مجالس مختلف ، نقش چماق عدالت ستیزان را به عهده داشته و دارد.

همانطور که کارشناسان اقتصادی مستقل ومخالف سیاستهای شوک درمانی اعلام کرده‌اند، افزایش قیمت بنزین به گران شدن بنزین محدود نخواهد ماند و به همراه آن قیمت سایر کالاها و خدمات نیز که هم اکنون نیز به اوج خود رسیده را بالا خواهد برد و با تورمی که بوجود خواهد آورد بینوایان را بینواتر و ثروتمندان را فربه تر خواهد کرد.

موضع چند پهلوی سخنگوی دولت و سایر مدافعان افزایش قیمت بنزین که سعی می کنند زمینه گران کردن بنزین را جا بیندازند و آنرا به نفع فقرا جلوه دهند، فریبکارانه است.

اگر تصمیم به افزایش قیمت بنزین با تاخیر و تائید و تکذیب مقامات حکومتی تا کنون قطعی نشده و تائید آن به سالگرد جنبش ۹۸ علیه گرانی بنزین موکول شده ، دلیلی جز هراس از تکرار جنبشی مشابه نداشته و ندارد. این هراس البته با توجه به وجود بحرانهای همه سویه در جامعه و رشد بی وقفه اعتراضات اجتماعی متنوع و معیشتی از جمله اعتصاب بزرگ چند ماه پیش کامیونداران و رانندگان که با گرانی گازوئیل هم مرتبط بود بدون دلیل نیست و نوعی ریسک برای حکومت محسوب می شود.

جنبش ۹۸ اگر چه در مخالفت با سه برابر شدن قیمت بنزین بوجود آمد اما از آنجا که برای شرکت کنندگان در آن محرز شده بود که پایان دادن به سیاستهای عدالت ستیزانه و فقر افزون حکومت و بر چیدن بساط استبداد حاکم بدون سرنگونی آن ممکن نیست هدف خود را فراتر از مخالفت با سیاستهای اقتصادی، به سرنگون کردن رژیم معطوف کرد. همه ی تجربیات ٦ سال بعد از سرکوب جنبش ۹۸ حقانیت و درستی اهداف آن را اثبات کرد و به ما آموخت که با وجود این حکومت همه چیز روز به روز بدتر خواهد شد و چنین نیز شد. گرانی دوباره قیمت بنزین گواهی است بر این واقحیت با سرکوب جنبش های ۹٦ و ۹۸ نه تنها مبارزات مردم علیه استبداد و بی عدالتی کاهش نیافت بلکه تشدید شد و جنبش زن، زندگی، آزادی را از دل خود بیرون داد. اکنون نیز تشدید سرکوب و اختناق و هدف قرار دادن عدالت خواهان نمی تواند مانع از تداوم مبارزات مردم برای بر چیدن بساط رژیم ستمگر اسلامی بشود.

کما اینکه توهمات اصلاح طلبی رژیم که جنبشهای ۹۸ و زن، زندگی آزادی با آن تعیین تکلیف کرد با شکست دولت پزشکیان بیش از پیش برای جامعه فرو ریخته است. گرامی بداریم سالگر جنبش انقلابی ۹۸ و یاد همه ی مبارزان سلحشوری را که برای آزادی و عدالت و نجات مردم پرچم قیام علیه رژیم مستبد و فاسد بر افراشتند و راه رهایی را به ما آموختند. جنبش ۹۸ سرکوب شد ولی اهداف و آرمانهای آن زنده و راه گشا باقی مانده است

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ آبان۱۴۰۴، برابر ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵ | شماره ۳۴۸ | Iranian Workers Analects – No:348

فقر: علل و چاره های آن بخش چهارم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی

.3علل فقر

3.1فساد - ادامه

به دلیل زیاده رویهای اداری و رفتارهای سلیقه ای، این امر به رنج مردم می‌افزاید*. از این رو، مردم به خاطر زیاده رویهایی که مأموران در حق آنان روا می‌دارند و نحوه سوءاستفاده آنان از قدرت، دچار ترس و بیم شده اند. بنابراین کیفیت کلی مدیریت به دلیل سوءاستفاده از قدرت یا اجرای دوگانهٔ قوانین در هر بخش کاهش یافته است. جای تعجب نیست که مسئولان دولتی به طور فزاینده‌ای به عنوان افرادی غیرپاسخگو نسبت به نیازهای عمومی و فاقد هرگونه ارزشهای اخلاقی و اخلاق مدار دیده می‌شوند.

علاوه بر این، هزینه ای که جامعه بابت تمام رفتارهای غیراخلاقی مانند فساد در بخش دولتی می‌پردازد، از نظر مالی و ناراحتی برای جامعه قابل توجه است. تأثیر فساد به وضوح در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل مشاهده است. بنابراین، میلیاردها دلار توسط بزرگترین نهادهای کمکرسان بین‌المللی طی سالها به عنوان کمکهای توسعه و رشد تزریق شده و تقریباً نیم دوجین برنامه پنجساله «اجرایی» شده اند، اما کشورهایی مانند بنگلادش، هند و آمریکای مرکزی، بر اساس بیشتر شاخصهای اجتماعی و اقتصادی، همچنان از زمرهٔ فقیرترین کشورها باقی مانده‌اند. جدا از ناراحتی و زحمت عمومی، فساد و ناکارآمدی بوروکراتیک هزینه سنگینی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند و باعث از دست رفتن صدها میلیون دلار سرمایه و درآمد بالقوه می‌شود. به ویژه در بنگلادش، برآوردها نشان می‌دهند که تنها در شش ماه اول سال 2000، مجموعاً 115.3 میلیارد تاکا در بخش دولتی به دلیل 1345 مورد فساد در نهادهای مختلف گم و گور شده است. بر اساس برآورد، درآمد سرانه در بنگلادش بدون فساد می‌توانست دو برابر رقم فعلی باشد. واضح است که فساد باعث کندی رشد اقتصادی کشور و مانع از فرآیند توسعه و پیشرفت آن می‌شود. فساد هزینه های اجتماعی ای دارد، اساس جامعه را هدف قرار می‌دهد و ارزشهای اخلاقی و انسانی را تخریب می‌کند.

ثانیاً فساد منجر به نابرابری درآمد می‌شود و این به نوبهٔ خود می‌تواند برای رشد یک کشور مضر باشد، زیرا بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد، کاهش فقر را محدود، و سرمایه گذاری در کشور را دچار مانع می‌کند. به عبارت دیگر، با افزایش نابرابری، سطح فقر کشور نیز افزایش می‌یابد. با افزایش نابرابری درآمد، ثروتمندان در فرآیندهای سیاسی، اداری و قضایی عادلانه، بیشتر چیزی برای از دست دادن دارند، اما همچنین منابع بیشتری در اختیار دارند که می‌توانند برای کسب نفوذ، هم به صورت قانونی و هم غیرقانونی، در فرآیند قانونگذاری استفاده کنند. ثروتمندان به عنوان یک طبقه یا گروهه ذینفع می‌توانند از لابیگری قانونی، کمکهای سیاسی یا رشوه (فساد سیاسی بزرگ) برای تأثیرگذاری بر فرآیند قانونگذاری استفاده کنند. ثروتمندان به‌عنوان گروهه ذینفع، شرکت یا فرد، ممکن است برای تأثیرگذاری بر فرآیند اجرای قانون (فساد بوروکراتیک) و خرید تفسیرهای مطلوب قانون (فساد قضایی) از رشوه یا ارتباطات استفاده کنند.

جانستون، گوپتا، هندریکس و لی معتقدند که فساد از چند کانال نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. اول، تا حدی که فساد باعث کاهش رشد و توسعه اقتصادی می‌شود – کیفیتی که این به احتمال زیاد سهم درآمد فقرا را نسبت به ثروتمندان کاهش می‌دهد و نابرابری درآمد و سطح فقر کشور را افزایش می‌دهد. دوم، با افزایش نابرابری، احتمالاً تقاضای بیشتری برای توزیع مجدد گسترده تر از طریق سطح بالاتری از مالیاتهای تصاعدی ایجاد می‌شود. این امر باعث ایجاد سوگیری در سیستم مالیاتی به نفع ثروتمندان می‌شود. با افزایش فشارهای توزیعی، ثروتمندان انگیزه بیشتری برای استفاده از فساد سیاسی برای کاهش نرخ مالیات و فساد بوروکراتیک برای دور زدن جمع آوری مالیات خواهند داشت. در نتیجه، سیستم مالیاتی ناکارآمد به سیستم بازدارنده تبدیل می‌شود و بار اضافی مالیات به طور نامتناسب بر فقرا تحمیل می‌شود، و این وضع باعث افزایش سطح فقر در کشور می‌گردد.

برای نمونه "سیستم مالیاتی" در کشورهای آفریقایی عبارتی بازدارنده نیست. با این حال، فساد به ثروتمندان و قدرتمندان اجازه می‌دهد از تعهدات مالیاتی خود فرار کنند، بنابراین بار مالیاتی تقریباً به طور کامل بر دوش فقرا می‌افتد. فساد باعث تمرکز داراییها در میان تعداد کمی از نخبگان ثروتمند می‌شود که می‌توانند سیاستهای عمومی را تحت تأثیر قرار داده و نابرابری درآمد را افزایش دهند. از آنجا که قدرت درآمد تا حدی به منابع (از جمله ثروت ارثی) وابسته است، ثروتمندان می‌توانند از ثروت خود برای تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی خود استفاده کنند، مانند سیاستهای تجاری، نرخ ارز، برنامه های هزینه ای و مالیات ترجیحی بر داراییهایشان. این سیاستها منجر به بازدهی بالاتر داراییهای ثروتمندان و بازدهی پایینتر داراییهای افراد کم درآمد می‌شوند و به این ترتیب نابرابری درآمد را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، ثروتمندان می‌توانند داراییهای خود را به‌عنوان وثیقه برای وام گرفتن و سرمایه گذاری در کسب وکار استفاده کنند که منجر به نابرابری در مالکیت داراییها می‌شود و توانایی فقرا برای وام گرفتن و افزایش درآمد طول عمر را محدود می‌کند و فقر را در نابرابری درآمد دائمی می‌کند.

فیلدز معتقد است که انتخاب استراتژی توسعه بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد، زیرا استراتژی توسعه مبتنی بر نیروی کار منجر به توزیع عادلانه درآمد می‌شود، در حالی که این رابطه برای استراتژی توسعه مبتنی بر سرمایه برعکس عمل می‌کند. یارانه های بزرگ بر سرمایه منجر به استراتژی توسعه مبتنی بر سرمایه می‌شود که نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. در کشورهای آفریقایی، تصمیمات تولید به شدت تحت تأثیر سیستم پیچیده ای از مالیاتها و یارانه ها قرار دارد. در حالی که سرمایه به شدت یارانه دریافت می‌کند، نیروی کار با نرخ بالایی مالیات می‌پردازد که نتیجه آن انتخاب تکنولوژیهای پرسرمایه توسط کسب وکارها به جای تکنولوژیهای کاربر است. این سیاست یارانه دهی به سرمایه با سطح بالای فساد در اکثر کشورهای آفریقایی تشدید می‌شود. این استراتژی منجر به تقاضای کم برای نیروی کار و دستمزدهای پایین می‌شود. این یک استراتژی است که به طور مؤثر درآمد را از فقرا به ثروتمندان منتقل می‌کند، زیرا یارانه ها با مالیاتهای از جیب فقرا تأمین می‌شوند.

* اشاره به فساد و رشوه خواری گسترده در بنگلادش و هند است، که در بخش قلبی به آن پرداخته شد:

در بنگلادش و هند رشوه مخرب ترین شکل فساد در بخش عمومی است. این امر در اکثر ادارات به یک رویه استاندارد تبدیل شده است که به مقامات مربوطه رشوه داده شود. پیامد این رشوه خواری شایع موجب شده است که ادارات دولتی اخذ تصمیم را تا زمان پرداخت رشوه به تأخیر اندازند. از این قرار معیار تصمیمات مقدار و زمان رشوه است، نه شایستگی یا منافع توسعهٔ کشور

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ آبان۱۴۰۴، برابر ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵ | شماره ۳۴۸ | Iranian Workers Analects – No:348

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

تلاش جناح راست برای مهار و منحرف کردن جنبش کارگری محکوم به شکست است

صادق

در ادامه اعتراضات پیوسته کارگران پیمانی که از سال ۱۴۰۰ به این سو گسترده‌تر از پیش شده است، در این هفته یک راهپیمای بزرگ با شرکت بالغ بر ۳ هزار نفر از کارگرانی که خواسته اصلی شان منحل کردن شرکتهای غارتگر پیمانی است در ۲۰ آبان مقابل ساختمان مرکزی ستاد اجرایی مجتمع گاز پارس جنوبی برگزار شد.

یکی دو هفته پیشتر نیز تجمع دیگری از سوی کارگران شرکتهای نفتی "ارکان ثالث"که از شهرهای مختلف به تهران آمده بودند با شرکت هزارنفر در مقابل ساختمان ریاست جمهوری با خواست تبدیل وضعیت شغلی و اجرای نظام پرداخت همسان با کارکنان قرارداد مدت‌معین‌برگزار شده بود.

مبارزات حق طلبانه کارگران پیمانی از این رو انحلال شرکتهای پیمانی ولغو کار پیمانی را به عنوان خواسته اصلی خود قرار داده که در صورت عملی شدن آن تبعیضات موجود میان کارگران رسمی و شکاف مزدی عمیقی که بین دستمزدها ی آنان با همکاران رسمی آنان وجود دارد را از میان بر میدارد. گفته می شود شکاف دستمزدی در مواردی پنج تا شش برابر است و این مقدار تفاوت به جیب پیمانکاران می رود.

ما در شماره جنگ کارگری هفته گذشته تا حدودی به این قضیه پرداخته‌ام و نیازی به تکرار آنها نمی بینم. در این نوشته قصد این است به تلاش عوامل جناح راست حکومت برای مصادره مبارزات کارگران و به انحراف بردن آن در جهت امیال این جناح سرکوبگر بپردازم بلکه بتواند به بی اثر شدن این توطئه کمک کند.

در شب همان روزی که این تجمع برگزار شد یک کانال تلویزیونی در خارج از کشور که در خدمت جریان راست حکومت و ذوب شدگان در ولایت علی خامنه‌ای قرار دارد، با آوردن یکی از گردانندگان "انجمن صنفی" وابسته به قدرت که ادعای رهبری اعتراضات را دارد، سعی کرد این حرکت را به نفع امیال و سیاستهای پلید و ضد کارگری جریان راست مصادره و خامنه‌ای را طرفدار حقوق کارگران و کارگران را طرفدار خامنه‌ای جا بزند.

برنامه ساز این کانال تلویزیونی که تلاش داشت این انجمن حکومتی را که نقش سوپاپ اطمینان رژیم را به عهده‌اش گذاشته‌اند، رهبر سندیکایی که وجود خارجی ندارد جا بزند و از زبان او هرچه را دل تنگش می خواهد به نفع جناح مذکور جاری کند. سوالهای طرح شده البته با پاسخهایی که طرف به آنها داد پرده از اسرار پشت پرده این برنامه ریز برافکند و ماهیت واقعی این به اصطلاح نماینده و انجمن صنفی ساختگی اش و هدف مجری کانال را برای مخاطبین برنامه آشکار کرد.

مرور داستان تشکیل و تاریخ این ا نجمن ماهیت آن و کذب بودن ادعاهای ؟رهبر" آنرا روشن می کند. این انجمن تا قبل از وقوع اعتصاب بزرگ کارگران پیمانی وجود خارجی نداشت. تلاشهای جریان حاکم بر خانه کارگر برای ساختن شورای اسلامی در این شرکتها نیز به علت عدم استقبال کارگران بی نتیجه مانده بود.

تنها تشکل مستقلی که قبل از این وقایع وجود داشت و در اعتراضات نقش داشت، تشکلی غیر علنی بنام شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی بود. عوامل وابسته به جریان راست حکومت که لباس عدالتخواهی بر تن کرده بودند و طرفدار رئیسی بودند، سعی کرددن با سرهم بندی انجمن صنفی هم کنترل اعتراضات را بدست بگیرند و هم عرصه فعالیت را بر شورای سازماندهی تنگ کنند و تشکیلات خاص خود را بوجود بیاورند. تشکیل انجمن در چنین اوضاعی به رغم ممنوع بودن تشکیل انجمن و شورا در صنایع بزرگ انجام گرفت و پیدا بود کسی را بر راس آن بنشانند که از هر لحاظ مورد اطمینان دستگاه امنیتی و صاحبان پیمانکاری ها باشند.

ساختن تشکیلات کارگری وابسته به جریان راستگراتر حکومت در دولت احمدی نژاد با تشکیل انجمن های صنفی برای کنترل جنبش کارگری و رقابت با دارودسته خانه کارگری ها که عامل دارودسته رفسنجانی و اصلاح طلبان بودند شروع شد و در دولت رئیسی نیز دنبال و جدی تر شد. بخشی از فعالیت فریبکارانه این جریان را که هدف آن سوء استفاده از مبارزات کارگران هفت ایجاد نفوذ در میان کارگران هفت تپه و ایجاد تفرقه در میان کارگران و بهرگیری از آن برای تصفیه حساب با جناح روحانی بود نمایان شد.

در همین مصاحبه رئیس این انجمن نیز با تاختن به جریانات موسوم به اصلاح طلب با ذکر نمونه هایی از روند بی حقوق سازی کارگران در هنگام صدرات حسین کمالی وزیر چند دولت "اصلاح طلب" سعی کرد آنها را به تنهایی عامل بی حقوق سازی و گسترش کار پیمانی معرفی کند. دلایل او البته نادرست نبود، اما نیمی از حقیقت بود و نگفت اگر همه ی تقصیرهای به عهده رقبای دست راستی و اقتدار گریان است به چه سبب همان اعمال با حدت و سرعت بیشتری در دولتهای احمدی نژاد و رئیسی ادامه پیدا کرد و چرا وقتی آنها در قدرت بودند، آن روند را معکوس نکردند؟

حرف و حدیث در مورد این انجمن و مصاحبه آقای علیزاده با رئیس آن بسیار است. اما از آنجا که هم برنامه ریز مدعی عدالتخواهی "جدال" در طول برنامه ماهیت و هدف خود را نتوانستند لاپوشانی کند، به همه ی موارد و ادعا های قلابی این دولازم نمی دانم بپردازم . فقط به یکی دیگر از ادعاهای این آقا که به دروغ گفت انجمن کذایی برای کارگران خیلی کارکرده و وضعیت آنها را بهتر کرده و گویا کارگران از انجمن رضایت دارند، باید گفت، اگر راست می گوید پس سبب این همه اعتراض از جمله این اعتراض آخر چیست؟ بله تغییراتی در مرخصی ها و وضعیت غذا و خوابگاه ها بوجود آمد و یک بار نیز بعد از اعتصاب ها دستمزدها اندکی افزایش داده شد اما اینها نتیجه اعتصاب های بزرگ بود که این انجمن در آنها نقشی نداشت و ایشان همه ی تلاشش این بود که کارگران را از اعتصاب باز دارد و با وعده قانونی کردن لغو کار پیمانی در مجلس سرگرم

نگه دارد. وعده‌ای که پس از چهار سال عملی نشد و در آینده نیز تنها در صورت اعتصاب های بزرگ می تواند عملی شود.

غرض از این نوشته هشداری بود به کارگران و فعالین کارگری که فریب این ترفندها را نخورند و اجازه ندهند جریانات ضد کارگری حکومتی بنام انجمن و شوراهای اسلامی قلابی مبارزات حق طلبانه آنها برای سازمانیابی را از مسیر درست منحرف کنند. هر دو جناح حکومتی در بی حقوق سازی و به فقر کشاندن طبقه کارگر نقش کم و بیش یکسانی داشته و دارند و این را در عمل نشان داده‌اند، حتی نقش جناح راست و ذوب شدگان در ولایت خامنه‌ای که چماقداری سرکوب فیزیکی کارگران را به عهده داشته و دارد، بیشتر از جناح دیگر است. کارگران از یاد نبرده‌اند و نمی برند که اگررفسنجانی، خاتمی، روحانی و پزشکیان حقوق قانونی آنها را از بین بردند، پاسداران اعتراضات آنها را سرکوب کردند، قاضیان رهبران سندیکایی واقعی شان را محکوم به زندان، شلاق و اخراج کردند و رهبر حکومت همه ی این ستمگریها را تائید کرده است. از همین روی تلاش اقای علیزاده برای جا زدن یک مامور حکومتی به عنوان رهبر سندیکایی و خامنه‌ای به عنوان رهبر عدالت خواهی مدافع حقوق کارگران دروغ بزرگی است که کسی را نمی فریبد! این نمایش تلویزیونی یک هدف دیگر هم دارد و آن چیزی نیست جز کشاندن کارگران به طرفداری از جناح راست برای از میدان بدر کردن رقبای حکومتی اش. البته کارگران باتجربه‌تر و آگاه تر از آن هستند که به چنین دامی بیفتند.

چاره کارگران و مزد بگیران وحدت و تشکیلات مستقل است!

اعتراضات زحمتکشان شتاب می گیرد

ع امید

افزایش پرشتاب و بدون وقفه قیمت مواد غذایی، دارو، مسکن، برق، آب به راستی تامین نیازهای اولیه زندگی را برای ۸۰ درصد مردم دشوار و برای میلونها نفر ناممکن کرده است. بحث بر سر گوشت و مرغ و مواد لبنی نیست که از سفه های مردم حذف شده اند. مشکل به تامین اقلام شکم پر کن های مانند نان و برنج رسید است، میوه و تره بار هم به کالاهای لوکس برای بسیاری از خانواده ها تبدیل شده است.

علت بخشی ازگرانی کالاها و مواد غذایی به قطع یارانه آنها ربط دارد، بخشی به سوجویی و سواستفاده دلالان از وضعیت و بخشی نیز به کاهش ارزش پول و بالا رفتن هزینه‌ها در اثر تورم مربوط است. با این وجود مسئولیت اصلی این وضعیت غیر قابل دوام به عهده دولت است که با سیاستهای خود این وضع را بوجود آورده است و قیمتها را به حال خود رها کرده است

به نوشته "روزنامه جهان صنعت، طبق گزارش‌ها یک کیلوگرم گوشت قرمز در بازار عملا برابر با دستمزد دو روز یک کارگر است، همچنین اگر قیمت گوشت در ایران را با جهان مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که قیمت یک کیلوگرم گوشت در ایران حدود چهار تا پنج برابر میانگین جهانی است"این را هم باید به گزارش افزود که

دستمزدها در کشورهای مورد استناد روزنامه جهان صنعت چهار تا پنج برابر دستمزد در ایران و نرخ تورم در اکثر آنها نیز چند ده برابر کمتر از ایران است.

در گزارش این روزنامه نکته‌ای هست که دولت اساسا توجه‌ای به آن ندارد و چشم و گوش خود را به آن بسته است. در گزارش از عدم تناسب میان دستمزدها و قیمتها و پنج برابر بودن متوسط قیمت گوشت در ایران خبر می دهد، خواست اعتراضات همه روزه کارگران، پرستاران، بازنشستگان معلمان و سایر حقوق بگیران نیز ایجاد توازن و تناسب میان دستمزدها و هزینه های زندگی است. حرف کارکنان بهزیستی در ۳۰ شهر کشور که دو روز پیش برای افزایش حقوق به خیابان آمدند، پرستاران مشهدی که سه روز پیاپی در اعتراض و اعتصاب بودند، پرستاران اهوازی و کرمانشاهی، بازنشستگان مخابرات و ارتش و تامین اجتماعی .همین است.

در این میان مرتب مسئولین بجای افزایش دستمزدها و پایین آوردن تورم در روزنامه ها وعده کنترل و ارزان شدن برنج و فلان کالای کمیاب و گران را می دهند و به دروغ از قطع نشدن یارانه دارو و وارد شدن برنج و مواد غذایی خبر می دهند، اما قیمت ها بدون توجه به وعده‌های مسئولین در مسیر افزایش سیر می کنند.

بی اعتمادی مردم از دولت بجایی رسیده که هر وقت مسئولین وعده کاهش و تثبیت قیمت کالایی را می دهند مردم می فهمند که قیمت آن بزودی بیشتر می شود. گاهی هم به مانند قضیه ته کشیدن نهاده‌های دامی معاون اول رئیس جمهور که می گویند همه کاره دولت است ولی به نظر می رسد بیکاره ترین عضو کابینه است، علت ته کشیدن نهاده های دامی را به بدهی دولت سابق نسبت می دهد و در همان حال از افزایش بدهی در دولت فعلی خبر می دهد و به این ترتیب مردم می فهمند این مشکل حالا حالاها ادامه پیدا خواهد کرد.

وضع دارو که وحشتناک است، قیمت اکثر داروها چند برابر شده و از همه بدتر افزایش قیمت داروهای بیماریهای خاص چون سرطان است که فقط میلیاردها از پس تامین هزینه آن بر می آیند. کمبود انسولین که داروی حیاتی برای مبتلایان به دیابت است این روزها به دغدغه بیماران دیابتی تبدیل شده است و بقول یکی از بیماران باید با پوشیدن کفش آهنی دنبال اش گشت. عده‌ای نیز معتقدند دولت با استفاده از این وضعیت تلاش می کند شرایط آزاد سازی همه ی کالاها را زمینه سازی کند. وزیر کار ادعا می کند که تامین اجتماعی مدعی شده سازمان تامین اجتماعی تغییری در سهم دارو نداده و همزمان با آن بازنشستگان که از گرانی همه روزه دارو، به تنگ آمده‌اند، در روزنامه می نویسند چرا تامین اجتماعی خود مسئولیت دارو و درمان را به عهده نمی گیرند. گرانی دارو حتمی تلفات انسانی هم دارد، اما خبر یا آماری راجع به آن منتشر نمی شود. فشار تورم و گرانی هر روز که می گذرد بیشتر اثرات خود را نمایان می سازد. گسترش اعتراضات کارگری و اجتماعی از اثرات افزایش تورم ٦٠ درصدی و افزایش هزینه های زندگی است. صبر عموم مزدبگیران و لایحه های پرشمار تهی دستان در شرف پایان یافتن است و ناتوانی حکومت در کنترل تورم این روند را تصریح و تسریع می کند. بی عملی دولت بگونه‌ای است که انگار دولتی وجود ندارد. مردم وجود دولت را زمانی متوجه می شوند که یا مشغول توجیح گران کردن نان و بنزین است یا مشغول سرکوب و بگیر و ببند و اعدام ها و یا مشغول دعوا با هم بر سر سهم از قدرت و ثروت.

حزبی که اجازه فعالیت داشته باشد و مورد اعتماد مردم باشد وجود ندارد و حکومت خاطرش جمع است که حزبی که بتواند آن را به مبارزه بطلبد وجود ندارد.

اساسا دغدغه احزاب حکومتی موجود هم بیشتر از آنکه معطوف به رفع مشکلات مردم و کشور باشد صرف دعواهای جناحی و تحکیم موقعیت خود شان می شود. اگر گاه به گاهی در مجلس حرفی از مشکلات مردم به میان می آید و هم دیگر را مورد خطاب قرار می دهند بیشتر بر سر سهم از قدرت است. همه بجای اینکه در فکر یافتن راه حل برای رفع مشکلات باشند، بفکر منافع شخصی و گروهی و افزودن بر ثروت های خود هستند. بهمین جهت است که هیچ وقت نه مجلس و نه دولت موفق به گشودن گره‌ای از مشکلات مردم نمی شوند.

متاسفانه روز گذشته یک کارگر آتش نشان دیگر به علت نگرفتن حقوق و نداشتن امکان تامین هزینه زندگی خود را به آتش کشید. این حرکت اگر چه قابل درک ولی قابل تائید نیست از سر ریز شدن صبر مردم خبر می دهد. مردمی که اگر چه بعضا دست به خودکشی می زنند، ولی اکثر آماده انفجار هستند.

گسترش اعتراضات مردمی و کارگری مانند تجمع بزرگ کارگران پیمنکاری نفت، پیوستن گروه های دیگری از زحمت کشان، مانند کارکنان بهزیستی در ۲۰ شهر، اعتصاب پرستاران در مشهد و چند شهر دیگر و بازنشستگان ارتش به جمع اعتراضات همیشگی بازنشستگان ، همگی حاکی از آغاز فصل تازه‌ای از مبارزات زحمتکشان است که دغدغه اصلی همه‌ی آنها وضعیت بد معیشتی و نان است. این جمعیت عظیم که پایه یک جنبش بزرگ توده‌ای را تشکیل می دهند اگر متحد شوند که مجبورند متحد شوند، با بگیر و ببند و سرکوب مهار شدنی نیستند.

تاخیر سه ماهه دستمزد صبر کارگران را لبریز کرد

کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه ساخت پتروشیمی چابهار به معوقات مزدی خود اعتراض کردند۰ ۱۵۰

کارگران پیمانکاری پروژه ساخت پتروشیمی چابهار روز دو شنبه (۲۶ آبانماه) با اعتصاب و تجمع در محوطه محل کار خود خواستار پرداخت دستمزد و معوقات دیگر خود شند.

انتقال جواد لعل محمدی از زندان به بیمارستان

جواد_لعل_محمدی، نویسنده، معلم و فعال صنفی اهل خراسان و زندانی_سیاسی در زندان وکیل‌آباد مشهد، در حالی با تأخیر و پس از ماه‌ها هشدار پزشکان به بیمارستان قائم منتقل و در بخش مغز و اعصاب بستری شده که خطر آسیبهای جدی او پیش‌تر بارها مطرح شده بود.

او قرار است ۲۸ آبان تحت عمل جراحی تنگی کانال نخاعی قرار گیرد؛ بیماری‌ای که مسئولان زندان بی‌اعتنا به وخامت آن، درمانش را به تعویق انداختند

پیروزی نامزد چپ از حزب کمونیست در دور اول انتخابات ریاست جمهوری شیلی

در شیلی، انتخابات ریاست‌جمهوری وارد مرحله‌ای سرنوشت‌ساز شده است. در دور نخست که روز یکشنبه ۱۶ نوامبر برگزار شد، جئانت جارای از حزب کمونیست، نامزد ائتلاف گسترده چپ، با کسب حدود ۲۶٫۸ درصد آرا در جایگاه نخست قرار گرفت. او تنها با اختلافی کمتر از سه امتیاز از رقیب اصلی خود، خوزه آنتونیو کاست، نامزد جریان راست افراطی، پیشی گرفت

شنبه ۲۴آبانماه۱۴۰۴: تجمعات همکاران رسمی در مناطق مختلف عملیاتی جنوب

امروز شنبه بیست و چهارم آبانماه همکاران رسمی در مناطق مختلف عملیاتی جنوب جهت پیگیری مطالبات خود تجمع کردند . مناطق برگزاری این تجمعات عبارت بودند از:

پارس‌جنوبی، پالایشگاههای دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و مدیریت عملیات پارس جنوبی

اعتراضات همکاران رسمی سراسری است. اهم مطالبات این همکاران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتراضات بخش های مختلف همکاران در نفت حمایت و پشتیبانی میکند. حذف_پیمانکاران معیشت_منزلت_حق_مسلم_ماست اعتراضات_سراسری_نفت سقف_حقوق

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۳ آبان۱۴۰۴، برابر ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵ | شماره ۳۴۸ | Iranian Workers Analects – No:348

اعتراض سراسری بازنشستگان مخابرات

اعتراض سراسری بازنشستگان مخابرات که دوشنبه های هر هفته برگزار می شود روز گذشته ٢٦ آبان با شرکت گسترده بازنشستگان که از فشار معیشتی و گرانی دارو و هزینه های فزاینده زندگی و عدم رعایت قوانین بازنشستگی در مخابرات به تنگ آمده‌اند در شهرهای مختلف با خواست افزایش حقوق، اجرای آیین نامه ۸۹، متناسب سازی حقوق با همکاران شاغل، پرداخت معوقات برگزار شد. بازنشستگان در تظاهرات دیروز خود شعارهای نیز علیه سهامداران شرکت و مسئولین دولتی که حق و حقوق شان را پایمال می کنند دادند. وعده وعید کافیه سفره ما خالیه، خواسته ما هر زمان معیشت است و درمان، سهامدار عمده، حق ماها رو خورده

فراخوان اعتصاب کارگران در آرژانتین علیه تغییرات ضد کارگری قانون کار

اتحادیه‌های کارگری و کارگران فعال مستقل در این کشور قصد دارند روز چهارشنبه ۱۹ نوامبر در سراسر کلانشهرهای آرژانتین اعتصاب سراسری ترتیب داده و تجمع کنند؛ تجمعاتی که احتمالاً به انسداد برخی .نقاط حساس شهری نیز بیانجامد

به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه سیف ابورد، کارگران اتحادیه‌های مختلف کارگری آرژانتین با انتشار فراخوانی ندر اعتراض به اصلاحات قوانین در شبکه‌های اجتماعی مختلف و رسانه‌ها اعلام کردند که قصد دارندوامبر ۱۹ کار در این کشور به دستور خاویر میلی، رئیس جمهور راستگرای افراطی این کشور، تجمع و اعتصابی یک روزه داشته باشند

اعتراضات زحمتکشان شتاب می گیرد

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

https://bepish.org/taxonomy/term/457